

The Role of the Media in the Policymaking of Inter-basin Water Transfer: A Case Study of the Zab River to Lake Urmia

Afshin Mottaghi Dastenaei^{1*} , Maryam Ebrahimi² , Hasan Sadrania³ 

1. Professor of Political Geography, Department of Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. PhD Student in Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Geography and Environmental Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Received: 2025-05-13

Accepted: 2025-07-26

Extended Abstract

Introduction

Iran's geographical location has led to its involvement in water shortages and the associated challenges. Currently, due to the overuse of environmental resources and inadequate water management and literacy, Iran is facing significant water-related problems. Among these issues is the depletion of wetlands and lakes, with the drying up of Lake Urmia being one of the most critical water crises. One proposed solution to this issue is the inter-basin water transfer plan. Public perceptions regarding the formation and consequences of this water transfer vary. One of the key factors influencing these perceptions is the media. By presenting different information, perspectives, and narratives, the media shapes how the public perceives these projects, including their potential advantages, disadvantages, and long-term consequences. The media plays a central role in determining public beliefs, and by emphasizing either the benefits or the harms of these

* Corresponding author, Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

¹ ORCID: <https://orcid.org/0000-0002-4406-3236>

² ORCID: <https://orcid.org/0000-0002-1585-0177>

³ ORCID: <https://orcid.org/0000-0001-6216-1430>



Copyright© 2025. TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

projects, it can significantly influence public support or opposition to water transfer initiatives.

Methodology

This research is qualitative in nature and employs a grounded theory approach. Data were collected using semi-structured interviews with 26 experts, elites, and relevant officials from both the source and destination regions, all of whom were key informants following media coverage related to the topic. Purposive sampling was used, and the interview content was analyzed through a three-stage coding process (open, axial, and selective), which systematically identified and developed the primary themes of the research.

Findings

The key concepts identified in the study are as follows:

- a) National Divergence:** The media has the capacity to either strengthen or weaken the factors and contexts related to centrifugal and centripetal forces, depending on its influence and capabilities.
- b) Persuading Public Opinion:** The media can shape public opinion in alignment with macro-political objectives, directing it toward the future policies of governments. Conversely, governments, political groups, and non-governmental actors can utilize the media to organize and frame public opinion according to their own agendas.
- c) Political Participation:** The media plays a critical role in raising awareness and fostering political participation by informing communities, including ordinary citizens, about the positive and negative consequences of water transfer projects.
- d) Restorative Media:** The absence of "restorative media" — a tool for building culture and promoting interethnic dialogue — presents a significant challenge in the implementation of this national project. The lack of targeted media campaigns to explain the national interests behind the project and highlight the collective destiny of ethnic groups has contributed to societal polarization.
- e) Linking Media, Security, and Politics:** Certain media outlets interpret criticism of the project through the lens of a "conspiracy by enemies to undermine national unity." Moreover, academic elites and ethnic activists exacerbate political sensitivities by framing the project in terms of "collective identity."

Conclusions

In summary, the success of large-scale water transfer projects, not only in the case of Lake Urmia but also in similar contexts, particularly in the social and cultural settings of the Zab and Urmia basins, extends beyond technical and engineering aspects. It requires

“targeted, effective, and strategic media management.” Such management must be complemented by a focus on persuasion, explanation, transparency, trust-building, and the facilitation of cultural dialogue. Strengthening local and regional media as intermediaries between the government and local communities, designing awareness-raising campaigns that emphasize mutual benefits, and avoiding unilateral, politically-driven, or security-focused narratives are essential components in the policymaking process for these projects.

Keywords: Media, Water Transfer, Zab River, Lake Urmia

کارکرد رسانه در سیاست‌گذاری انتقال بین حوضه‌ای آب؛ مطالعه موردی: انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه

افشین متقی دستنائی^{۱*}، مریم ابراهیمی^۲، حسن صدرانیا^۳

۱. استاد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

چکیده

طرح انتقال بین‌حوضه‌ای آب با توجه به پیامدهای پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، واکنش‌های متفاوتی را در جوامع مبدأ و مقصد به همراه دارد. در این میان، رسانه‌ها با تأثیر بر ادراک افراد، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به این واکنش‌ها ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر رسانه بر پیامدهای انتقال آب از رودخانه زاب به دریاچه ارومیه انجام شده است. این پژوهش از نظر نوع، کیفی و با رویکرد نظریه زمینه‌ای است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۶ نفر از کارشناسان، نخبگان و مسئولان مرتبط به عنوان پیگیری کننده اخبار رسانه‌ها در ارتباط با موضوع، با نمونه‌گیری هدفمند استفاده و محتوای مصاحبه‌ها با روش کدگذاری سه مرحله‌ای تحلیل شد. یافته‌ها نشانگر نقش دوگانه رسانه‌ها در این پروژه است. از یک سو، برخی رسانه‌ها با سیاسی و امنیتی‌سازی گفتمان و تحلیل انتقادات به مثابه تهدید، به واگرایی ملی و تشدید تنش احتمالی دامن می‌زنند. از سوی دیگر، ضعف در رسانه‌های ترمیمی برای اقناع افکار عمومی، شفاف‌سازی و فرهنگ‌سازی، مانع شکل‌گیری مشارکت مؤثر و افزایش اعتماد اجتماعی شده است. نتیجه اصلی پژوهش آن است که موفقیت پروژه‌های کلان انتقال آب، فراتر از ابعاد فنی و مهندسی، به مدیریت هدفمند، راهبردی و هوشمندانه رسانه، اعتمادسازی و مشارکت دادن جوامع محلی وابسته است تا از تبدیل احتمالی آن به یک چالش امنیتی جلوگیری شود.

واژه‌های کلیدی: رسانه، انتقال آب، رودخانه زاب، دریاچه ارومیه

۱. مقدمه

موقعیت جغرافیایی ایران در کمربند خشکی سبب شده است تا این کشور از دیرباز درگیر کم‌آبی و مشکلات ناشی از آن باشد. در حال حاضر نیز با توجه به استفاده نامناسب از توان محیطی و وجود برخی ضعف‌ها در مدیریت و سواذ آبی، مشکلات مربوط به آب بیش از پیش دامن‌گیر این سرزمین شده است. از جمله این مشکلات، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌هایی است که دیرزمانی پناهگاه انسان‌ها و سایر جانداران بوده‌اند. خشک شدن دریاچه ارومیه یکی از مهم‌ترین بحران‌ها در این زمینه است. این بحران خود عاملی برای شکل‌گیری معضلات زیست محیطی در شمال غرب ایران و حتی بخش‌های دورتر شده است و یا در آینده خواهد شد. مشکلات محیط زیستی از جمله ریزگردها و طوفان‌های نمکی و به دنبال آن بیابان‌زایی، در معرض خطر قرار گرفتن سلامت انسان‌ها، افزایش نوسانات آب و هوایی، بی‌ثباتی در زمان‌بندی فصل‌ها و کاهش بازدهی و حاصلخیزی خاک یا از بین رفتن اراضی کشاورزی از مهم‌ترین این پیامدها است. تمام این مشکلات محیط زیستی و موارد دیگر می‌تواند عامل شکل‌گیری پیامدهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی شود. به طور معمول، انتقال بین حوضه‌ای آب در چارچوب مفهوم مدیریت منابع آب یکی از روش‌های مرسوم برای انتقال آب به حوضه آسیب‌دیده برای جبران کمبود آب است. طرح انتقال بین حوضه‌ای آب با توجه به موقعیت و ویژگی‌های طبیعی و انسانی مبدأ و مقصد می‌تواند پیامدهای متفاوت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی و واکنش‌هایی در حوضه آبریز به‌خصوص در بالادست را به همراه داشته باشد.

از این جهت ادراک افراد در شکل‌گیری و مواجهه با پیامدهای این انتقال آب متفاوت است. یکی از ابزارهای تأثیر بر ادراک افراد استفاده از رسانه است. رسانه‌ها با استفاده از شگردهای بصری و با به خدمت گرفتن دانش برآمده از نظریه‌های مربوط به ادراک چه از نوع دیداری، شنیداری و یا حرکتی می‌توانند انتقال مؤثرتر پیام و اقناع بیشتر مخاطبان را برای اهداف خود داشته باشد (Mottaqi & Gharebeigi, 2014: 60). رسانه‌ها، با ارائه اطلاعات، دیدگاه‌ها و روایت‌های مختلف، بر نحوه درک مردم از این پروژه‌ها، مزایا و معایب آن‌ها و پیامدهای احتمالی آن‌ها تأثیر می‌گذارند (Onyenankeya & Salawu, 2018: 179). رسانه‌ها با برجسته کردن برخی جنبه‌ها و کم‌رنگ کردن جنبه‌های دیگر، می‌توانند بر شکل‌گیری افکار عمومی، بسیج اجتماعی و در نهایت، بر موفقیت یا شکست این پروژه‌ها تأثیرگذار باشند (Abu Bakar et al., 2021: 5). این امر قابل درک است که رسانه‌ها با قدرتی که دارند می‌توانند به افراد جامعه در هر زمینه‌ای آگاهی دهند. علاوه بر این موضوع رسانه‌ها تعیین می‌کنند که افراد چه پیامی را باور کنند؛ به این معنی که رسانه می‌گوید چه پیامی مهم و مطلوب، و چه پیامی بی‌اهمیت و غیر مطلوب است. از این نظر، رسانه‌ها بیشتر در پی ساختن و پرداختن رخدادها و تحولات به آن صورتی که عوامل رسانه می‌خواهند هستند نه در خدمت بیان واقعیت. برای مثال، انتشار و گزارش اخبار به‌عنوان وظیفه اصلی رسانه حاصل جهان اجتماعی و سیاسی است که آن را ساخته

است (Khamushi, 2011: 171). لذا رسانه‌ها، در موضوع آب نیز می‌توانند با تمرکز بر منافع یا مضرات احتمالی پروژه‌های انتقال آب، بر حمایت یا مخالفت عمومی با این پروژه‌ها تأثیرگذار باشند.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر رسانه بر شکل‌گیری پیامدهای پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه است. سؤال اصلی این است که رسانه‌ها چگونه بر شکل‌گیری پیامدهای پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه تأثیرگذار هستند؟ در واقع، پژوهش به دنبال بررسی نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به ادراک عمومی از این پروژه، تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و در نهایت، تأثیر بر پیامدهای زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی-امنیتی این پروژه است. انتظار می‌رود که با انجام این پژوهش، درک عمیق‌تری از نقش رسانه‌ها در فرآیند مدیریت منابع آب و حل بحران‌های زیست محیطی به دست آید. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کمک کند تا با در نظر گرفتن تأثیر رسانه‌ها، راهبردهای مؤثرتری را برای اطلاع‌رسانی، اقناع و جلب حمایت عمومی از پروژه‌های انتقال آب اتخاذ کنند. در بهترین شرایط نیز، توجیه و اقناع مردم و یا تحریک اذهان عمومی در مبدأ و مقصد توسط رسانه‌ها درباره پیامدهای انتقال آب، موضوعی است که باید بیش از پیش به آن توجه شود؛ زیرا امروز تأثیر رسانه به علت حضور دائمی در زندگی افراد، غیرقابل‌انکار است.

۲. پیشینه پژوهش

مریم ابراهیمی و همکاران (2023)، مریم ابراهیمی و همکاران (2024)، زکيه آفتابی و همکاران (2024)، عزت... قنواتی و همکاران (2014) و ناصر سلطانی و همکاران (2016) در پژوهش‌های خود پیامدهای انتقال آب بین حوضه‌ای از رودخانه زاب به دریاچه ارومیه را بررسی و سناریوهای فراوری آن را تبیین کرده‌اند. در پژوهش زکيه آفتابی و همکاران (2024)، ضمن بررسی سناریوهای انتقال رودخانه زاب به دریاچه ارومیه، مدیریت جامع منابع آب و برنامه‌ریزی صحیح با توجه به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این حوضه بدون آسیب به حوضه رود زاب و مناطق وابسته به آن به‌عنوان سناریوی مطلوب ارزیابی شده است. حسین دانش‌مهر و همکاران (2019) درک و تفسیر ذی‌نفعان و ذی‌ربطان انتقال آب رودخانه زاب را نسبت به پدیده انتقال آب بررسی کرده‌اند. سعید فرامرزیانی و سجاد فرجی (2023) در مقاله خود با مطالعه موردی سریال «دریا» به بازنمایی بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه در رسانه پرداخته‌اند. در این تحقیق، مدیریت منابع آب و اصلاح روند توسعه نامتوازن کشاورزی به‌عنوان راهکارهای گذر از بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه معرفی شده است. علی امیری و زهره منصوری (2020) در پژوهشی پیامدهای امنیتی انتقال آب در استان خوزستان را بر اساس بازنمایی رسانه‌ای تحلیل کرده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش، رسانه‌ها با هدف بازنمایی تأثیرات منفی پروژه‌های انتقال آب به القای احساس تهدید در امنیت زیست محیطی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در شهروندان می‌پردازند.

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که به موضوع رابطه رسانه با انتقال بین حوضه‌ای آب در مقالات علمی به‌طور خاص توجه نشده و به چگونگی بازنمایی موضوع بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه در رسانه پرداخته نشده است. از این رو، این پژوهش رویکرد جدیدی را نسبت به موضوع دنبال می‌کند و به بررسی تأثیر رسانه بر انتقال آب در حوضه آبریز ارومیه پرداخته است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع، یک پژوهش کیفی است که با هدف ادراک معنا و ماهیت تجربه افراد انجام و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌باز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نخبگان و مسئولان منطقه مبدأ و مقصد انتقال آب و افراد مطلع در این زمینه است که اخبار رسانه‌ها را پیگیری کرده و با کنش رسانه‌ها در سیاست‌گذاری انتقال بین حوضه‌ای آب آشنا بودند. از این رو شیوه نمونه‌گیری به‌صورت غیر احتمالی و هدفمند و تعداد نمونه ۲۶ نفر است. به عنوان روش پژوهش، از رویکرد نظریه زمینه‌ای به‌عنوان رویکرد اصلی تحقیق استفاده شده است. تجزیه و تحلیل محتوا با روش کدگذاری باز در سه مرحله انجام شده است. ابتدا با استفاده از کدگذاری باز به هر مفهوم و جمله در مصاحبه یک برچسب داده شد. سپس بر اساس ویژگی‌های هر مفهوم، کدهای خام شناسایی شدند. در مرحله کدگذاری محوری کدهایی که در قالب یک مفهوم بودند، گردآوری یا ادغام شدند. در مرحله کدگذاری گزینشی، مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، انتخاب شدند.

۴. مبانی نظری

۴-۱. انتقال بین حوضه‌ای آب

انتقال آب بین حوضه‌ای به فرآیند جابجایی آب از یک حوضه آبریز یا حوضه آبخیز به حوضه‌ای دیگر اشاره دارد که عموماً به‌عنوان راهبردی برای مقابله با کم‌آبی و تأمین نیازهای جمعیت رو به رشد اجرا می‌شود (Weder, 2020: 231). این روش ممکن است شامل پروژه‌های مهندسی پیچیده و مدیریت دقیق برای حفظ تعادل اکولوژیکی هر دو حوضه باشد تا اثرات منفی بالقوه بر اکوسیستم‌های محلی به حداقل برسد (Mayeda et al., 2019: 937). برنامه‌ریزی اثربخش و همکاری میان ذی‌نفعان مختلف، از الزامات کلیدی موفقیت پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای است، چراکه این پروژه‌ها ملزم به عبور از چارچوب‌های نظارتی، ملاحظات زیست محیطی و نیازهای جامعه برای دستیابی به راه‌حل‌های پایدار هستند (Eze, 2014: 240). این گونه طرح‌ها همچنین می‌توانند به تشویق نوآوری در شیوه‌های مدیریت آب بینجامند و توسعه فناوری‌ها و رویکردهای جدیدی را تسهیل کنند که بهره‌وری را افزایش داده و اتلاف منابع را کاهش می‌دهند (Raposo et al., 2017: 16).

در مناطق با تراکم بالای جمعیت در جهان به‌ویژه در مناطق خشک و دارای کمبود آب شیرین، تقاضا برای دسترسی به آب زیاد است. راهکارهای مختلفی برای مواجهه با کمبود آب مانند نمک‌زدایی آب دریا و یا انتقال آب از حوضه همسایه که مازاد در آن وجود دارد استفاده می‌شود. انتقال بین حوضه‌ای آب راه‌حل غالب برای مقابله با کمبود آب در برخی از رودخانه‌های بزرگ جهان است (Gupta et al, 2010: 623). افزایش تواتر خشکسالی‌ها و کمبود آب در سطح جهانی - که امنیت غذایی، سلامت عمومی و ثبات اقتصادی را تهدید می‌کند - ضرورت اتخاذ راهبردهای جامع را پررنگ‌تر ساخته است. رویارویی با این چالش‌ها مستلزم رویکردی کل‌نگر است که نه تنها بر جنبه‌های فنی انتقال آب متمرکز شود، بلکه عدالت اجتماعی و مدیریت مسئولانه زیست محیطی را نیز در اولویت قرار دهد تا پایداری بلندمدت برای همه جوامع متأثر تضمین شود.

همکاری میان دولت‌ها، بخش خصوصی و جوامع محلی برای طراحی راهبردهای اثربخش - که همسو با نیازهای متنوع ذی‌نفعان باشد و تاب‌آوری در برابر پیامدهای تغییرات اقلیمی را تقویت کند - امری حیاتی است. سرمایه‌گذاری در پژوهش و نوآوری نیز نقشی محوری در توسعه شیوه‌های پایدار مدیریت آب ایفا خواهد کرد؛ شیوه‌هایی که توانایی سازگاری با شرایط متغیر محیطی و حمایت از رفاه نسل‌های آینده را دارا باشند.

انتقال بین حوضه‌ای آب از گروه‌ها و جوامع درگیر و یا تحت تأثیر در این نوع فعالیت، سؤالاتی را مطرح می‌کند. این سؤالات به مسائل گوناگونی از رشته‌های مختلف می‌پردازد؛ از جمله نحوه توزیع مزایا و هزینه‌ها (اقتصاد)، بررسی شرایط فنی، مسائل مربوط به فن‌آوری و نیاز به دستگاه‌های کارآمد برای طراحی و به‌کارگیری آن‌ها (مهندسی)، آثار محیط زیستی (محیط‌زیست)، چالش‌های مربوط به حکمرانی خوب، مشارکت عمومی و سیاست داخلی (مدیریت دولتی و علوم سیاسی)، پشتیبانی و محافظت از حقوق جوامع محلی (قانون)، و اثرگذاری بر معیشت و فرهنگ مردم محلی (مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی) (Gupta & van der Zaag, 2008: 29).

با تکامل گفتمان پیرامون انتقال آب بین حوضه‌ای، ضرورت توجه نه تنها به ابعاد فنی و زیست محیطی، بلکه به پویایی‌های اجتماعی-سیاسی تأثیرگذار بر اجرای پروژه‌ها، بیش از پیش آشکار می‌شود. مشارکت ذی‌نفعان متنوع - شامل جوامع محلی، نهادهای حکومتی و بنگاه‌های خصوصی - می‌تواند نتایج این طرح‌ها را معنادار کند. به‌عنوان نمونه، در مناطقی مانند دشت شمال چین که انتقال آب در مقیاس کلان برای کاهش کمبود منابع آب شیرین به کار گرفته شده است، تعامل میان شیوه‌های کشاورزی و راهبردهای مدیریت آب، رابطه‌ای پیچیده را آشکار می‌سازد که برای دستیابی به نتایج پایدار، نیازمند مدیریتی هوشمندانه است (Dong et al., 2023: 3). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که تقویت شفافیت و همکاری میان تمامی طرف‌ها می‌تواند به حل تعارضات ناشی از اولویت‌ها و منافع متفاوت کمک کند و در نهایت به ایجاد چارچوب‌های حکمرانی اثربخش‌تری بینجامد که هم یکپارچگی بوم‌شناختی و هم رفاه جامعه را در کانون توجه قرار می‌دهند. این رویکرد کل‌نگر، بر اهمیت ادغام عدالت اجتماعی در مراحل برنامه‌ریزی پروژه‌های

انتقال آب بین حوضه‌ای تأکید دارد تا اطمینان حاصل شود که صدهای جوامع بیشترین تأثیر پذیرفته از کم‌آبی، در فرآیندهای تصمیم‌سازی شنیده و لحاظ می‌شوند. مشارکت دادن جوامع محلی در طراحی و اجرای این پروژه‌ها می‌تواند به توانمندسازی ذی‌نفعان، اعتمادسازی و ارتقای تاب‌آوری سامانه‌های مدیریت آب در برابر چالش‌های آینده بیانجامد (Tabios, 2018: 341).

۴-۲. رسانه

رسانه به طیف متنوعی از کانال‌ها و بسترها اشاره دارد که از طریق آن‌ها اطلاعات، اخبار و محتوا به عموم مردم انتشار می‌یابند. این مفهوم هم شامل اشکال سنتی مانند روزنامه‌ها، تلویزیون و رادیو می‌شود و هم بسترهای دیجیتالی همچون شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها را در بر می‌گیرد. رسانه به‌عنوان واسطه‌ای حیاتی در شکل‌دهی به ادراک عمومی، تأثیرگذاری بر افکار و تسهیل ارتباطات میان افراد و جوامع نقش ایفا می‌کند (Shunglu et al., 2022: 7). در بستر موضوعاتی مانند انتقال آب بین حوضه‌ای و سایر چالش‌های زیست محیطی، رسانه نقشی محوری در برجسته‌سازی مزایا و معایب چنین طرح‌هایی دارد. این نهاد قادر است با تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های ذی‌نفعان و تحریک همگرایی جامعه، موفقیت یا شکست پروژه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. چارچوب‌بندی مسائل در گزارش‌های رسانه‌ای می‌تواند به واکنش‌های متفاوت عمومی بینجامد؛ به‌طوری‌که پوشش احساس‌برانگیز اخبار ممکن است موجبات ترس یا مقاومت در میان جمعیت‌های محلی را فراهم آورد (Agramont Akiyama et al., 2022: 4). علاوه بر این، روزنامه‌نگاری مسئولانه برای تسهیل بحث‌های آگاهانه درباره موضوعات پیچیده‌ای مانند مدیریت آب ضروری است. ارتباطات اثربخش و شفافیت از سوی رسانه‌ها و مجریان پروژه، نقشی کلیدی در اعتمادسازی و تسهیل گفت‌وگوهای سازنده میان تمامی ذی‌نفعان ایفا می‌کند. با اولویت‌بندی به مشارکت‌گیری جامعه و مقابله با اطلاعات نادرست، رسانه‌ها می‌توانند گفتمان عمومی را ارتقاء دهند، افراد را توانمند سازند و به توسعه روش‌های مدیریت عادلانه و پایدار آب یاری رسانند (Onyenankeya & Salawu, 2018: 182).

درک انواع رسانه‌های درگیر در انتقال مسائل مرتبط با جابجایی آب، ضروری است؛ چراکه این رسانه‌ها نقشی محوری در شکل‌دهی به ادراک عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاستی مرتبط با مدیریت منابع ایفا می‌کنند. راهبردهای ارتباطی اثربخش می‌توانند از سکوه‌های رسانه‌ای مختلف برای افزایش آگاهی، آموزش ذی‌نفعان و ترویج مشارکت در طرح‌های انتقال آب بهره‌گیرند که در نهایت به فرآیندهای تصمیم‌سازی آگاهانه‌تر می‌انجامد (Abu Bakar et al., 2021: 9). این رویکرد چندوجهی نه تنها چالش‌های فوری کم‌آبی را هدف می‌گیرد، بلکه همکاری بین جوامع، دولت‌ها و سازمان‌ها را برای ایجاد راه‌حل‌های بلندمدت سودمند برای مردم و محیط زیست تشویق می‌کند. با بهره‌گیری از قدرت رسانه‌های متنوع، امکان درک عمیق‌تر از پویایی‌های انتقال آب و تسهیل گفت‌وگو میان

ذی‌نفعان مختلف فراهم می‌شود تا اطمینان حاصل شود که همه صداها در گفتمان مدیریت پایدار منابع شنیده می‌شوند. مشارکت جوامع محلی از طریق برنامه‌های هدفمند آموزشی و کارگاه‌های تعاملی می‌تواند این گفت‌وگو را تقویت، و افراد را به ایفای نقشی فعال در ابتکارات مدیریت منابع ترغیب کند. این رویکرد مشارکتی نه تنها باعث اعتماد میان ذی‌نفعان می‌شود، بلکه حس مالکیت را پرورش می‌دهد و جوامع را به اجرای روش‌های پایدار همسو با نیازها و شرایط خاص آن‌ها بر می‌انگیزاند. چنین تلاش‌های جمعی می‌تواند به راه‌حل‌های نوآورانه‌ای بینجامد که هم‌زمان با پرداختن به چالش‌های محلی، مسئولیت‌پذیری زیست محیطی را ترویج می‌کند و آینده‌ای تاب‌آورتر و پایدارتر برای همگان می‌سازد (Abraham & Khatra, 2022: 141).

ایو لاکوست معتقد به نقش وسایل ارتباط جمعی در دریافت یک وضعیت با ویژگی ژئوپلیتیک و تأثیر رسانه‌ها بر تصمیم‌های سیاسی است. رقابت‌های سرزمینی که به صورت‌های متضاد و به‌طور وسیع در رسانه‌ها منعکس می‌شوند، مشخصاً دارای بار ژئوپلیتیک هستند. در واقع، بحث‌ها و جدل‌های سیاسی در میان شهروندان از مطالب منتشر شده در رسانه‌ها نشأت می‌گیرند؛ البته با این پیش‌شرط که این رسانه‌ها از حداقل آزادی بیان برخوردار باشند. به همین دلیل ایو لاکوست معتقد است که رسانه‌ها چون با نفوذ بر افکار عمومی بر نظرهای رهبران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی تأثیر می‌گذارند، به عوامل ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد که افزایش فزاینده مطالبات جوامع با ویژگی ژئوپلیتیک در پرتو روابط نزدیک رسانه‌ها و مردم‌سالاری قابل تبیین است (Lorot and Toal, 2002: 38).

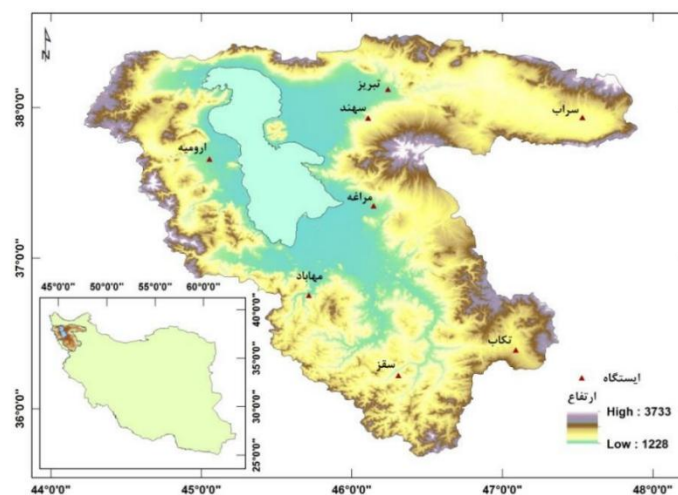
۳-۴. محیط‌شناسی پژوهش

حوضه آبریز دریاچه ارومیه با وسعت حدود ۵۱.۸۷۶ کیلومتر مربع در شمال غرب ایران بین مختصات جغرافیایی ۴۴ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این حوضه به عنوان یکی از شش حوضه آبریز اصلی کشور، در میان استان‌های آذربایجان غربی (۴۶ درصد)، آذربایجان شرقی (۴۳ درصد) و کردستان (۱۱ درصد) قرار دارد. از نظر آب و هوایی، جزء مناطق نیمه‌خشک و خشک سرد به شمار می‌آید (Ghavidel et al, 2024: 25). دریاچه ارومیه بزرگترین دریاچه داخلی ایران و دومین دریاچه شور در جهان است که از یک اکوسیستم منحصر به فرد با نقش مهم اجتماعی - اقتصادی و اکولوژیکی در منطقه برخوردار است. فعالیت در بخش کشاورزی حدود ۳۰ درصد از شغل ساکنان حوضه آبریز دریاچه ارومیه را تشکیل می‌دهد. موقعیت خاص حوضه از نظر زمین‌شناسی، میزان تبخیر بالا و تجمع مداوم املاح در آن، دریاچه را به یک دریاچه فوق‌العاده شور تبدیل کرده است. این دریاچه از سال ۱۳۴۶ به عنوان پارک ملی و منطقه حفاظت شده معرفی شده است. همچنین در سال ۱۳۵۴ به عنوان سایت رامسر (تالاب بین‌المللی) تعیین شد و در سال ۱۳۵۶ از سوی سازمان یونسکو در زمره مناطق حفاظت‌شده زیست‌کره قرار گرفت. با وجود اهمیت دریاچه ارومیه، به دنبال دو

دهه توسعه کشاورزی، ساخت سد و کاهش جریان رودخانه‌ها، سطح آب این دریاچه به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و در این مدت، تقریباً ۴۵ درصد از مساحت و ۸۵ درصد از حجم دریاچه از بین رفت و اکوسیستم آن در خطر انقراض قرار گرفته است. از پیامدهای قابل پیش‌بینی برای کوچک شدن دریاچه ارومیه می‌توان به وقوع طوفان گرد و غبار نمکی، افزایش ریزگردها، تغییر زمان‌بندی فصل‌ها، بروز بیماری‌های تنفسی، افزایش انواع سرطان، سقط جنین، بیماری‌های چشمی، کاهش قابل توجه آرتمیا و پرندگان وابسته به آن اشاره کرد (Amin Fang et al, 2023: 76).

حوضه آبریز رودخانه زاب، به عنوان حوضه مبدأ، در جنوب غربی استان آذربایجان غربی قرار دارد. از نظر مختصات جغرافیایی بین ۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۵۰ دقیقه و ۱۰ ثانیه تا ۴۵ درجه و ۵۰ دقیقه و ۴۰ ثانیه طول شرقی واقع شده است. مساحت حوضه زاب تا محل تلاقی رود چومان در نزدیکی مرز عراق ۳۳۸۳.۱۱ کیلومتر مربع است. رود زاب از ارتفاعات سیاه کوه واقع در مرز ایران و عراق به نام رود لاوین سرچشمه می‌گیرد با دریافت شاخه‌های زیوکه، تمرچین، قلعه‌تراش، آوجار، بادین-آباد، نعلین، آبخورده، پردنان و در مرز ایران و عراق در نزدیکی آبادی هرنزه، پس از دریافت شاخه پر آب چومان، وارد خاک عراق می‌شود. از نظر اقلیمی، این منطقه یکی از بیشینه‌های بارشی در غرب ایران است و میانگین بارش سالانه آن ۷۰۱.۵ میلیمتر و میانگین دما ۱۱.۹ درجه سلسیوس است (Ghanavati et al, 2016: 69).

نقشه ۱: منطقه مورد مطالعه

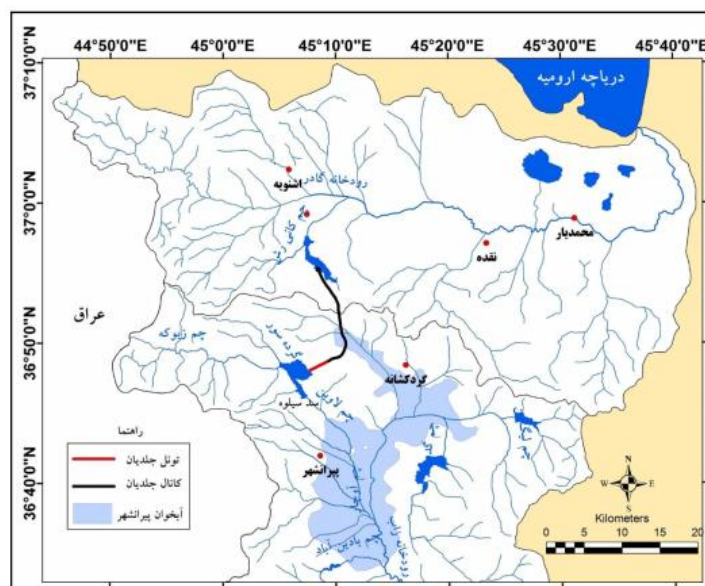


Source: Javan, 2020: 123

پروژه انتقال آب از حوضه آبریز رودخانه زاب کوچک به دریاچه ارومیه در برگرفته مجموعه‌ای از طرح‌های سامانه جمع‌آوری آب از شاخه‌های رودخانه زاب، تونل‌ها و کانال‌های انتقال آب از دریاچه سدهای مخزنی سیلوه و کانسیو به حوضه رودخانه گادر و در انتها دریاچه ارومیه است (Ghanavati et al, 2014: 33). این پروژه شامل سدهای

سردشت، گرژال و شیواشان شهرستان سردشت است که هدف از اجرای آن انتقال مازاد آب به حوضه مجاور است. پروژه حدود ۹۶۰ میلیون مترمکعب آب را در سال به دریاچه ارومیه منتقل می‌کند (Daneshmehr et al, 2019: 13). این طرح انتقال آب شامل طرح ساخت تونل انتقال آب گلاس جهت انتقال بخشی از آب رودخانه لوین (سرشاخه اصلی رودخانه زاب) به سمت حوضه آبریز دریاچه ارومیه و دشت نقده است. انتقال آب این رودخانه از طریق یک طول ۳۵۷۰۰ متر امکان‌پذیر است. قطر تمام‌شده این تونل ۵.۵ متر و میزان آب انتقالی به حوضه دشت نقده و دریاچه ارومیه حدود ۶۲۳ میلیون مترمکعب در سال در نظر گرفته شده است. ابتدای این خط لوله در حدود ۷ کیلومتری شمال شرق پیرانشهر و خروجی آن در ۸ کیلومتری جنوب - جنوب شرق شهر نقده قرار دارد. دهانه ورودی این تونل از بالادست مخزن سد گلاس آبیگری می‌کند و دهانه خروجی آن در دامنه شمالی کوهستان بیگم قلعه، آب را وارد دشت نقده و حوضه دریاچه ارومیه می‌کند (Soltani et al, 2016: 39).

نقشه ۲: طرح انتقال آب از حوضه رودخانه زاب



Source: Ghanavati and et al, 2014: 34

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. داده‌های توصیفی

با تحلیل مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران، الگوها و مضامین یا مقوله‌های عام استخراج و سپس با کمک روش‌های تفسیری، تحلیل ارائه شد. در این مرحله، مصاحبه‌های ضبط شده مورد بازنگری قرار گرفته است. مشخصات

افراد مورد مصاحبه قرار گرفته به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	محل سکونت	تحصیلات	حوزه فعالیت
۱	ارومیه	دکتری	هیأت علمی دانشگاه
۲	ارومیه	دانشجوی دکتری	مدیر موسسه علمی پژوهشی
۳	میاندوآب	کارشناسی ارشد	تسهیل‌گر روستایی
۴	ارومیه	کارشناسی ارشد	فعال مدنی
۵	تهران	دکتری	پژوهشگر
۶	تهران	دکتری	پژوهشگر
۷	مهاباد	کارشناسی ارشد	پژوهشگر
۸	ارومیه	دکتری	هیأت علمی دانشگاه
۹	نقده	دکتری	پژوهشگر / فعال محیط‌زیست
۱۰	نقده	کارشناسی	کارمند
۱۱	ارومیه	دکتری	کارمند
۱۲	ارومیه	دانشجوی دکتری	دانشگاه ارومیه
۱۳	سردشت	دکتری	هیأت علمی دانشگاه
۱۴	سردشت	کارشناسی ارشد	کارمند
۱۵	سردشت	کارشناسی ارشد	فعال مدنی
۱۶	سردشت	دیپلم	فعال محیط زیست
۱۷	سردشت	کارشناسی ارشد	فعال مدنی
۱۸	سردشت	کارشناسی ارشد	روزنامه‌نگار
۱۹	سردشت	کارشناسی	فعال محیط زیست
۲۰	مهاباد	دکتری	هیأت علمی دانشگاه
۲۱	سردشت	کارشناسی	روزنامه‌نگار
۲۲	تهران	دکتری	فعال مدنی
۲۳	مهاباد	دکتری	پژوهشگر
۲۵	نقده	لیسانس	کارمند
۲۶	تهران	دکتری	کارمند

در همین راستا، بررسی تأثیر رسانه بر پیامدهای انتقال آب به دریاچه ارومیه در سه مرحله به شرح ذیل انجام شده است:

مرحله اول: استخراج داده‌های معنایی (کدگذاری باز)

کدگذاری باز^۱ اولین مرحله در تجزیه و تحلیل داده‌ها است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها است. در این مرحله، هدف، ادراک کلی از مفاهیم موجود در مصاحبه‌های انجام شده است که به طور کلی ۳۹ مفهوم به شرح جدول شماره ۲ از متون مصاحبه استخراج شد.

جدول ۲: مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفاهیم اولیه	ردیف	مفاهیم اولیه
۱	انجام کار فرهنگی و رسانه‌ای درباره پروژه	۲۱	عدم تمایل افراد به استفاده از رسانه‌های داخلی در مبدأ
۲	میزان تأثیرگذاری رسانه‌ها منوط به مسئولیت‌پذیری دولت و نظام حکمرانی	۲۲	استفاده رسانه‌ها از مسئله انتقال آب در زمان خشک‌سالی
۳	حضور گروه‌های سیاسی در مبدأ و ایجاد شرایط برای فعالیت‌های رسانه‌ای آن‌ها	۲۳	اعتراض رسانه‌ای سازمان‌های مردم‌نهاد در آینده
۴	کنترل مردم توسط شبکه‌های تلویزیونی خارجی و شبکه‌های اجتماعی	۲۴	احتمال تأثیر نخبگان و رسانه‌ها بر مردم در آینده
۵	ورود رسانه‌های خارجی به مسئله پس از شروع برخی اعتراض‌ها	۲۵	استفاده معترضان از شبکه‌های اجتماعی
۶	تحریک احساسات قومی ساکنان در مبدأ و مقصد	۲۶	جهت‌دهی و کنش‌انگیزی مخاطبان به سمت و سوی خاص
۷	امنیتی کردن موضوع انتقال آب بین حوضه‌ای در مبدأ و مقصد	۲۷	برجسته‌سازی نقاط مثبت طرح انتقال بین حوضه‌ای آب
۸	برجسته‌سازی نقاط منفی طرح انتقال بین حوضه‌ای آب	۲۸	القای شهروند درجه یک و دو در ساکنان حوضه آبریز
۹	تأثیر رسانه بر شکل‌گیری گفتمان معامله آب اضافی به جای انتقال آب	۲۹	تش آفرینی در مناطق کردنشین حوضه آبریز
۱۰	نقش رسانه در شکل‌گیری احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۳۰	تبیین پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه بر حوضه مبدأ و مقصد
۱۱	ایجاد گفتمان تحول در حوضه مبدأ در مقابل آب انتقال داده شده	۳۱	تأثیر رسانه در همگرایی قومی - مذهبی در حوضه آبریز
۱۲	برجسته‌سازی نقاط ضعف حکمرانی محلی	۳۲	تأثیر رسانه بر شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی موضوع

^۱ open coding

ردیف	مفاهیم اولیه	ردیف	مفاهیم اولیه
۱۳	پررنگ کردن بُعد اجتماعی آب به جای بُعد اقتصادی آن	۳۳	تأثیر رسانه بر برجسته‌سازی فساد
۱۴	بازنمایی استفاده صحیح از آب در مقصد	۳۴	تأثیر رسانه بر ایجاد همگرایی اجتماعی میان اقوام در حوضه آبریز
۱۵	ضعف رسانه ملی و داخلی در اثرگذاری بر ساکنان حوضه مبدأ	۳۵	تأثیرگذاری قابل توجه رسانه‌های خارجی بر حوضه مبدأ
۱۶	بازنمایی موضوع به عنوان طرح انتقال آب به مناطق آذری	۳۶	تأثیر رسانه بر افزایش مشارکت مردمی در مدیریت منابع آب
۱۷	تأثیر رسانه بر کاهش منازعات آبی با اطلاع‌رسانی	۳۷	تأثیر رسانه بر مدیریت مسائل قومی-آبی با شفاف‌سازی
۱۸	نقش رسانه در بازخوانی صحیح مسائل زیست محیطی حوضه	۳۸	تأثیر رسانه بر حکمرانی خوب منابع آب
۱۹	نقش رسانه بر کاهش احساس تبعیض در ساکنان حوضه	۳۹	تأثیر رسانه در آگاهی مردم نسبت به مزایای طرح‌های مدیریت منابع آب
۲۰	تأثیر رسانه در فرهنگ‌سازی مسائل آبی- زیست محیطی		

مرحله دوم: کدگذاری محوری و شکل‌گیری مقوله‌های محوری

در ادامه فرآیند تحلیل داده‌ها و پس از استخراج مفاهیم اولیه از طریق کدگذاری باز، گام بعدی شامل سازماندهی و طبقه‌بندی این مفاهیم بود. در این مرحله، مفاهیم و کدهای اولیه که دارای قرابت معنایی و موضوعی بودند، با یکدیگر ترکیب و در قالب «کدهای ثانویه» دسته‌بندی شدند. سپس با بررسی عمیق‌تر ارتباط میان این کدهای ثانویه، «مقوله‌های محوری» پژوهش که نمایانگر ابعاد اصلی پدیده مورد مطالعه هستند، استخراج شد. جدول ۳ به تفصیل این فرآیند گذار از مفاهیم اولیه به کدهای ثانویه و در نهایت، مقوله‌های محوری را نمایش می‌دهد.

جدول ۳: تحلیل داده‌ها، کدهای ثانویه و مقوله‌های محوری

مقوله محوری	کدهای ثانویه	فراوانی	کدهای اولیه
واگرایی ملی	رسانه‌های خارجی به‌عنوان ابزار تشدید تنش	۹	تحریک افکار عمومی توسط رسانه‌های خارجی
اقتناع افکار عمومی	ضعف در اطلاع‌رسانی رسمی	۸	کمبود شفاف‌سازی اطلاعات توسط رسانه‌های داخلی
رسانه‌های غیررسمی و بسیج اجتماعی	فضای مجازی به‌عنوان بستر اعتراض	۷	استفاده شبکه‌های اجتماعی برای انتشار نارضایتی‌ها
مشارکت سیاسی	نخبگان به‌عنوان واسطه‌گران رسانه‌ای	۶	نقش نخبگان و سازمان‌های مردم نهاد در جهت‌دهی به رسانه‌ها
رسانه‌های ترمیمی	نبود برنامه‌های آگاهی‌بخش	۵	فقدان فرهنگ‌سازی رسانه‌ای برای کاهش تنش
پیوند رسانه، امنیت، و سیاست	رسانه‌ها و امنیتی‌سازی مسائل	۴	تبدیل پروژه به موضوع امنیتی توسط رسانه‌ها

مرحله سوم: کدگذاری انتخابی

در این مرحله، پژوهشگر با تمرکز بر مقوله هسته (پدیده اصلی)، به تبیین روابط منطقی میان تمامی مقوله‌های محوری می‌پردازد تا یک روایت تحلیلی و یکپارچه از پدیده مورد مطالعه ارائه دهد. برای اعتبارسازی این تحلیل و نمایش ارتباط عمیق یافته‌ها با داده‌های خام، به شواهد مستقیم از مصاحبه‌ها استناد می‌شود. در ادامه، مهم‌ترین مقوله‌هایی که این مدل نهایی را شکل داده‌اند، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

الف) واگرایی ملی

هارتشورن معتقد است که در واحدهای سیاسی بزرگ، داشتن تنوع و گوناگونی در پدیده‌های طبیعی و انسانی باعث به وجود آمدن نیروهای متضاد می‌شود. در درون این کشورها دو نیرو وجود دارد. یک نیرو به سمت بیرون گرایش دارد و آن نیروی «مرکزگرای» یا نیروی ویرانگر خوانده می‌شود، و نیروی دیگر به سمت داخل کشور گرایش دارد که نیروی «مرکزگرا» یا نیروی سودمند نامیده می‌شود. شکل‌گیری و دوام یک کشور ماحصل چیرگی نیروهای مرکزگرا بر نیروهای مرکزگرایز است و هر زمان نیروهای مرکزگرایز بر نیروهای مرکزگرا تسلط پیدا کند؛ موجودیت کشور به خطر می‌افتد و واحدهای سیاسی جدیدی شکل می‌گیرند (Veisi, 2015: 140). رسانه می‌تواند با توجه به قابلیت‌هایی که دارد عوامل و زمینه‌های نیروهای مرکزگرایز و مرکزگرا را تقویت و یا تضعیف کند.

در خصوص مسئله واگرایی، یکی از مشارکت‌کنندگان عنوان کرد: «... نخبگان و افراد خاص مانند مخالفان حکومت یا رسانه‌ها در این دو حوزه بیشتر بر روی این مسئله [واگرایی] مانور می‌دهند؛ اما مردم عادی و کشاورزان واکنش چندانی ندارند. در چند سالی که پروژه شروع شد، مردم واکنش خاصی نشان ندادند و بیشتر واکنش‌ها در سطح نخبگان وجود دارد و ممکن است واکنش نخبگان در آینده بر روی مردم تأثیر بگذارد. در رابطه با کنش برخی جریان‌های قوم‌گرایی کردی و ترکی نیز فعلاً تأثیر خاصی نمی‌تواند بگذارند اما در آینده ممکن است بر اثر برخی القاءات و تحریک‌های رسانه‌ای معاند، افراد ساکن در مبدأ نسبت به افراد ساکن در مقصد دچار تغییر دیدگاه در مسیر منفی شوند؛ مانند اتفاقی که در اصفهان افتاد».

مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «درباره انتقال آب، اگر تنش ایجاد شود، احتمالاً شبکه‌های خارج‌نشین این‌گونه القاء خواهند کرد که در احیای دریاچه، بیشترین حلقه را مناطق کردنشین داده‌اند و سایر مناطق، مشارکت کمتری در این زمینه داشته‌اند و از این طریق در پی دامن زدن به تنش هستند».

مشارکت‌کننده‌ای با تحصیلات دکتری عنوان می‌کند: «برخی جریان‌ها در مناطق مبدأ در شبکه‌های اجتماعی، تلاش دارند تا موضوع را قومیتی جلوه دهند. شبکه‌ها و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین هنوز به‌صورت کلان به مسئله نپرداخته‌اند، اما ممکن است در آینده به آن بپردازند. در صورتی که دریاچه ارومیه متعلق به همه است و کردها و آذری‌ها باید با هم نسبت به آن احساس تعلق داشته باشند، اما چنین وانمود می‌شود که یک گروه دغدغه بیشتری نسبت به موضوع دارد».

مصاحبه‌شونده‌ای چنین ابراز می‌دارد: «اگر ترسالی داشته باشیم، برای چند سال این ترسالی کمک می‌کند به اینکه دریاچه پر آب شود و مناطق مبدأ گرفتار خشکسالی نباشند؛ اما اگر بارندگی کم باشد، انتقال آب می‌تواند واکنش منفی در پی داشته باشد، چون مردم توسط شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های خارج‌نشین تحت تأثیر هستند».

مصاحبه‌شونده‌ای دیگری که خود را پژوهشگر معرفی می‌کند، این‌گونه عنوان می‌کند: «ظرفیت تأثیرگذاری پروژه انتقال آب بر مناسبات قومی، مستقیم به خود آب محدود نمی‌شود، بلکه به‌تلاش‌ها برای دامن زدن به نارضایتی‌های اجتماعی ناشی از آن گره خورده است و شبکه‌های برون مرزی نیز برنامه‌های خود را بر آن متمرکز کرده‌اند. برای مثال برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای کردی و گروه‌های قومی پان‌ترک تلاش دارند تا با بسیج افکار عمومی و یا تبلیغ اتهام کم‌کاری تعمدی به حاکمیت، از این فرصت سوءاستفاده کنند. علاوه بر این، مسئله ابعاد فرامرزی نیز دارد؛ چرا که اقلیم کردستان عراق نیز اخیراً استفاده از آب این حوضه را برای مصارف کشاورزی و شیلات آغاز کرده است. کاهش احتمالی آب ورودی به آن منطقه، می‌تواند به برخی نارضایتی‌ها منجر شود که می‌توان بر بخشی از مناطق کردنشین ایران نیز تأثیرگذار باشد».

ب) اقناع افکار عمومی

به طور کلی افکار عمومی توسط کنشگران اجتماعی شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری افکار عمومی، رسانه است. این مسئله از یک طرف، بر کنترل افکار فردی و از طرف دیگر، بر گفتمان عمومی کنش‌گران اجتماعی یا به‌طور واضح‌تر، بحث عمومی دلالت دارد. رسانه‌ها بدون اغراق نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال نظرات کنش‌گران اجتماعی در بستر جامعه دارند. مفهوم افکار عمومی به بایستگی برانگیختن در حکومت اشاره می‌کند. افکار عمومی به‌قدری برای چهره‌های سیاسی مهم است که ذهن خود را درگیر افکار عمومی می‌کنند، تا جایی که عدم یا ضعف رضایت آنچه را که افکار عمومی تصور می‌شود، برای آن‌ها دغدغه است. کنش‌گران اجتماعی افکار عمومی را به‌عنوان یک شاخص در نظر می‌گیرند و به‌هنگام عرضه نظرات، اعلام طرح‌های خود و انجام اقدامات آن را مدنظر قرار می‌دهند (Gingras and Pierre-Carrier, 2002: 51).

رسانه‌ها می‌توانند بر اساس اهداف کلان سیاسی، افکار عمومی را جهت‌دهی و آن را با سیاست‌های آینده دولت‌ها همسو، و یا در مقابل دولت، گروه‌ها و بازیگران غیردولتی با استفاده از رسانه‌ها افکار عمومی را با محتوای مورد نظر خود سازمان‌دهی کنند.

یکی از مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کند: «... اعتمادسازی، شفاف‌سازی و مشارکت مبحث مهمی است و اگر مزایای توسعه اقتصادی و اجتماعی انتقال آب به صورت مستمر، شفاف‌سازی و اعتمادسازی شود، زمینه تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز همه گروه‌های انسانی را در منطقه بیش از پیش فراهم می‌کند. مردم در این منطقه سالیان سال مسالمت‌آمیز زندگی کرده‌اند؛ اما اگر سیمای فنی طرح‌ها به صورت مستمر شفاف نشود، امکان تبدیل یک خواسته اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به خواسته سیاسی وجود دارد».

مصاحبه‌کننده دیگری بیان کرده است: «... رسانه‌ها و نخبه‌ها تأثیرگذار هستند و نظام حکمرانی، هر چه اطلاعات شفاف به مردم بدهد که در انتقال آب، مردم مبدأ دچار مشکل نمی‌شوند، این انتقال می‌تواند بدون مسئله انجام شود». نقش رسانه به‌عنوان ابزاری برای هدایت و تأثیرگذاری بر افکار عمومی مهم است. رسانه ملی در جایگاه رسانه حاکمیت، با وظیفه آگاه‌سازی بر اساس ارزش‌های فرهنگی برای آگاهی سیاسی شهروندان، خودآگاهی سیاسی را به‌مثابه نیرویی جهت‌شکل‌دادن به عمل سیاسی مردم به وجود می‌آورد. رسانه‌های استانی نیز با در نظر گرفتن فضای بومی استان خود در جهت اجرای سیاست‌های رسانه‌ای عمل می‌کنند (Zarei et al, 2019: 128).

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «... تا زمانی که افکار مردم را رسانه‌ها کنترل می‌کنند، اگر ترسالی باشد، رسانه‌های مغرض نمی‌توانند چندان از فضا سوءاستفاده کنند و کشاورزان نیز رضایت دارند و احتمال اعتراض به انتقال آب برای احیای دریاچه ارومیه نیز خیلی پایین است، اما اگر شرایط خشکسالی ایجاد شود، رسانه‌ها می‌توانند، از این فضا سوءاستفاده کنند».

مشارکت‌کننده دیگری با تحصیلات دکتری می‌گوید: «... متأسفانه در بحث مشارکت و آگاهی‌بخشی کم‌کاری‌هایی وجود دارد و اکثر روستاهای مبدأ تنها استفاده‌کننده رسانه‌های خارج‌نشین و تحت تأثیر هستند». دانشجوی مصاحبه‌شونده‌ای عنوان می‌کند: «دولت باید در رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد شفاف‌سازی را مستمر ادامه دهد و فرهنگ‌سازی انجام شود. آگاهی‌دادن مستمر به مردم سبب می‌شود تا مردم از ابعاد پروژه آگاه باشند و تنش‌های احتمالی به حداقل برسد».

ج) مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی، کوشش‌های شهروندان غیردولتی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی است (Firahi, 1998: 44). مشارکت سیاسی را می‌توان به صورت افزایش تقاضا برای سهیم شدن در تصمیمات سیاسی و قدرت تعریف کرد (Qavam, 2005: 4). تمایل مردم به حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، وابسته به عواملی است که آگاهی سیاسی را می‌توان مهمترین عامل قلمداد کرد. انتقال آگاهی سیاسی در جامعه توسط ابزارهای گوناگون انجام می‌شود که می‌توان به جامعه مدنی جدید و سنتی مانند گروه‌ها و احزاب، شبکه‌های اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها اشاره کرد (Mosafa, 1996: 19). شیوه‌های مدیریت پیام، هدایت افکار عمومی و راه‌های انتقال پیام از کارکردهای رسانه است که مورد توجه اندیشمندان علم سیاست و سیاستمداران از یک سو، و جامعه‌شناسی از سمت دیگر قرار دارد (Zarei et al, 2019: 126).

مشارکت در تصمیم‌سازی و آگاهی بخشی سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی مردم عادی نسبت به پیامدهای مثبت و منفی انتقال آب توسط رسانه‌ها انجام می‌شود. در این میان، رسانه و محتوای قوی و به‌کارگیری عنصر زیبایی شناختی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی عنصری غیرقابل‌انکار است.

د) رسانه‌های ترمیمی

پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه، با وجود ابعاد فنی و زیست محیطی، در غیاب برنامه‌ریزی رسانه‌ای منسجم، می‌تواند به عرصه‌ای برای سوءاستفاده نیروهای مرکز گریز و رسانه‌های معاند با هدف ایجاد تعارضات فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود. تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان و افراد مطلع از فضای رسانه و مخاطب رسانه‌ها نشان می‌دهد که هرگونه ضعف یا فقدان «رسانه‌های ترمیمی» به عنوان ابزاری برای آگاه‌سازی به عنوان روایت اول، صادق، شفاف، فرهنگ‌سازی و تقویت گفتگوهای میان فرهنگی، چالشی جدی در مسیر این طرح ملی خواهد بود. به گفته مصاحبه‌شوندگان، در ارائه برنامه‌های رسانه‌ای هدفمند و با برنامه، برای تبیین منافع ملی پروژه انتقال آب و تشریح پیوند سرنوشت مشترک ضعف وجود دارد.

وجود برخی ضعف‌های رسانه‌ای باعث شده است تا شهروندان مناطق مبدأ و مقصد، پروژه انتقال آب را نه بر اساس داده‌های عینی، بلکه بر پایه انگاره‌های فرهنگی-اجتماعی تفسیر کنند. از سوی دیگر، برخی به نقش مخرب رسانه‌های خارجی در غیاب رسانه‌های داخلی اشاره می‌کنند. این وضعیت، ضرورت طراحی گروه‌های رسانه‌ای برای معرفی پروژه به عنوان منفعت جمعی را آشکار می‌کند. تقویت رسانه‌های محلی به عنوان پل ارتباطی بین جوامع مبدأ و مقصد، راهکاری کلیدی برای کاهش تنش‌های احتمالی است. ایجاد سکوه‌های رسانه‌ای محلی مانند شبکه‌های اجتماعی و رادیوهای استانی یا روزنامه‌های منطقه‌ای، می‌تواند به شفاف‌سازی اطلاعات و تعدیل نگرش‌های منفی کمک کند. پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه، در صورت غفلت از نقش رسانه‌های ترمیمی، به جای آنکه به عاملی برای همگرایی ملی تبدیل شود، می‌تواند به محرکی برای تعمیق تعارضات فرهنگی بدل شود. فرهنگ‌سازی رسانه‌ای با محوریت تبیین منافع مشترک و تقویت رسانه‌های محلی، به عنوان بستر همفکری میان فرهنگ‌ها دو رکن اساسی برای خنثی‌سازی این خطر هستند.

۵) پیوند رسانه، امنیت و سیاست

پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه به عنوان یک اقدام ملی، در کنار ابعاد فنی و تلاش برای احیای این دریاچه، در چارچوب ابعاد و تعاملات رسانه‌ای، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی نیز قابل طرح و بررسی است. تحلیل مصاحبه با کارشناسان، مخاطبان رسانه‌ها و ذی‌نفعان نشان می‌دهد که مضمون پیوند رسانه، امنیت و سیاست در شکل‌گیری گفتمان پیرامون این پروژه نقشی محوری ایفا می‌کنند.

برخی از رسانه‌ها، انتقاد و اعتراض به پروژه را اقدامی در راستای تلاش دشمنان برای تضعیف وحدت ملی تحلیل می‌کنند. این رویکرد، می‌تواند گفتگوهای کارشناسی را به حاشیه ببرد. برخی نیز بخشی از نارضایتی‌های محلی نه برآمده از مطالبات واقعی، بلکه محصول تحریکات مداخله‌جویانه معاند خارجی قلمداد می‌کنند. این مسئله در صورت پررنگ شدن، می‌تواند مانع از پرداختن به مسائل بنیادی و اصلی از جمله توزیع عادلانه منابع یا مشارکت محلی شود و پروژه را در معرض خطر سیاسی‌شدن قرار می‌دهد.

برخی از نخبگان دانشگاهی و فعالان اجتماعی با پیوند دادن پروژه انتقال آب به مبحث هویت جمعی ساکنان در مبدأ و مقصد، حساسیت‌های سیاسی موضوع را بالا می‌برند. این نگاه، پروژه را به چالش‌های هویتی گره می‌زند. در واقع، با این رویکرد، پروژه انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه، فراتر از یک چالش فنی، می‌تواند به میدانی برای تقابل گفتمان‌های سیاسی، امنیتی و هویتی تبدیل شود. لذا در چارچوب این تلاش برای رفع چالش‌ها درباره پروژه، برای خروج از این مشکلات، ضروری است تا شفاف‌سازی، اعتمادسازی مضاعف، اقناع افکار عمومی به ویژه برای ساکنان، مشارکت جوامع محلی، و توزیع عادلانه منافع در دستور کار قرار گیرد.

۶. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش رسانه در فرآیند سیاست‌گذاری طرح انتقال بین‌حوضه‌ای آب از رودخانه زاب به دریاچه ارومیه با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان این حوزه و همچنین مخاطبان رسانه‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، انجام شد. یافته‌های مبتنی بر تحلیل کیفی داده‌ها نشان داد که رسانه‌ها در زمینه اجرای پروژه انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه، عملکرد واحد و یکسانی نداشته و بعضاً دوگانه و در جایی متناقض بوده‌اند. از یک سو، برخی رسانه‌ها با برجسته‌سازی ابعاد سیاسی و امنیتی موضوع و تحلیل برخی اعتراض‌ها و انتقادات، این انتقادات را در راستای تلاش دشمنان برای تضعیف وحدت ملی و تهدیدی در این زمینه، می‌دانند و با سیاسی و امنیتی‌سازی گفتمان، فضای گفت‌وگوی کارشناسی و عقلانی را با چالش مواجه می‌کنند که این رویکرد نه تنها مانع از ارزیابی جامع پیامدهای فنی، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی پروژه می‌شود، بلکه با ایجاد فضایی محدودکننده، مشارکت واقعی ساکنان و ذی‌نفعان محلی را به حاشیه می‌برد. در چنین شرایطی، مسئله انتقال آب می‌تواند از یک چالش فنی و محیط‌زیستی به موضوعی امنیتی و سیاسی تبدیل، و عاملی برای ایجاد شکاف‌های اجتماعی در بین ساکنان حوضه‌های مبدأ و مقصد شود.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ضعف عملکردی رسانه‌های داخلی و رسمی در تشریح دقیق مسئله، اقناع‌سازی افکار عمومی و شفاف‌سازی درباره موضوع، به ویژه در سطوح محلی و منطقه‌ای، می‌تواند منجر به برخی بی‌اعتمادی‌ها و کاهش مشارکت اجتماعی شود. به دلیل تحقق این شرایط و ضعف در حضور و فعالیت رسانه‌های تبیین‌کننده، شفاف‌ساز، فرهنگ‌ساز و مبتنی بر اعتماد عمومی حداکثری، عموم مردم و حتی نخبگان محلی به سوی رسانه‌های خارج‌نشین و شبکه‌های اجتماعی غیررسمی روی می‌آورند و این مسئله، به خلق روایت‌های غیرصادق، جهت‌دار، جانبدارانه، متضاد، تقویت گفتمان‌های واگرایانه و القاء و دامن‌زدن به احساس تبعیض و بی‌عدالتی کمک می‌کند. این مسئله در مناطق مبدأ (حوضه زاب) تا حدی دیده می‌شود؛ جایی که رسانه‌های رسمی نتوانسته‌اند رسالت اصلی خود مبنی بر اقناع‌سازی، تبیین‌گری و شفاف‌سازی درباره منافع ملی طرح و مبحث انجام توزیع عادلانه منافع ارائه کنند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت پروژه‌های کلان انتقال آب نه تنها در دریاچه ارومیه بلکه در هر جای دیگر، به‌ویژه در بافت اجتماعی و فرهنگی حوضه‌های زاب و ارومیه، فراتر از ابعاد فنی و مهندسی، مستلزم «مدیریت هدفمند، موثر و راهبردی رسانه‌ای» است. این مدیریت باید با محوریت اقناع‌سازی، تبیین‌گری، شفاف‌سازی، اعتمادسازی و تسهیل گفت‌وگوهای فرهنگی همراه باشد. تقویت رسانه‌های محلی و منطقه‌ای به‌عنوان پل ارتباطی بین دولت و جوامع محلی، طراحی پویش‌های آگاهی‌بخش مبتنی بر رویکرد تأمین منافع متقابل، و اجتناب از گفتمان‌های یکجانبه و صرف سیاسی و امنیتی، از ضروریات غیرقابل انکار در فرآیند سیاست‌گذاری این طرح‌ها است.

در این صورت می‌توان امیدواری حداکثری داشت که پروژه انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه، علاوه بر نجات یک اکوسیستم کم‌نظیر، به عاملی برای تقویت انسجام و همبستگی ملی و توسعه پایدار منطقه‌ای تبدیل شود و تنش‌های اجتماعی به حداقل یا صفر برسد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان هیچ موردی را گزارش نکرده‌اند.

سهم نویسندگان

نویسنده اول (۲۵ درصد)، نویسنده دوم (۵۰ درصد) و نویسنده سوم (۲۵ درصد)

تاییدیه اخلاقی، تعارض منافع

نویسندگان هیچ موردی را گزارش نکرده‌اند.

منابع مالی، حمایت‌ها

نویسندگان هیچ موردی را گزارش نکرده‌اند.

References

- Abraham, A., & Khatra, K. (2022). Media and Urban Governance: The Quest for Sustainable Cities and Communities. *ECS Transactions*, 107(1), 16639–16648. <https://doi.org/10.1149/10701.16639ecst>
- Abu Bakar, M. F., Wu, W., Proverbs, D., & Mavritsaki, E. (2021). Effective Communication for Water Resilient Communities: A Conceptual Framework. *Water*, 13(20), 1-17 2880. <https://doi.org/10.3390/W13202880>
- Aftabi, Z. , Kaviani Rad, M. and kardan moghadam, H. (2024). Explaining the Future Scenarios for Transferring Zab River to Lake Urmia. *Geographical Studies of Coastal Areas Journal*, 5(1), 37-55. doi: 10.22124/gscj.2024.23850.1217 [In Persian]
- Agramont Akiyama, A., Peres-Cajías, G., Villafuerte Philippsborn, L., Van Cauwenbergh, N., Craps, M., & van Griensven, A. (2022). Framing Water Policies: A Transdisciplinary Study of Collaborative Governance; the Katari River Basin (Bolivia). *Water*, 14(22), 3750. <https://doi.org/10.3390/w14223750>
- AminFanak, D. , Rezaei, R. & Zeynalzadeh, K. (2023). Identification and Explanation of Barriers to Water Resources Protection in the Urmia Lake Basin: A Qualitative Study. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 54(1), 73-88. doi: 10.22059/ijaedr.2022.342469.669146 [In Persian]
- Amiri, A, & Mansouri, Z. (2020). Analysis of media representation of the security

- consequences of water transfer in Khuzestan Province. *National Conference on Theoretical and Practical Dimensions of Sustainable Development and Security of Border Areas with Preparatory Approach*. 28 November. Mashhad. [In Persian]
- Arun p. Elha.vce.2000. Hydropolities: Grounds for Despair, Reasons for Hope. International negotiation. 201-222.
 - Daneshmehr, H. , Ahmadrash, R. & Karimi, A. (2019). Perceptual Understanding by Local Elites and People around the Zab River's Water Transfer to Urumieh Lake. *Social Studies and Research in Iran*, 8(1), 1-32. doi: 10.22059/jisr.2019.260880.707 [In Persian]
 - Dong, J., Chen, X., Li, Y., Gao, M., Wei, L., Tangdamrongsu, N., & Crow, W. T. (2023). Inter-Basin Water Transfer Effectively Compensates for Regional Unsustainable Water Use. *Water Resources Research*. 59(12). <https://doi.org/10.1029/2023wr035129>
 - Ebrahimi, M, Abdi, A, & Sasanpour, F (2023). Future Research on the Consequences of Water Transfer of Zab Basin to Lake Urmia. *National Studies Journal*, 24(94), 173-189. doi: 10.22034/rjnsq.2023.367466.1456 [In Persian]
 - Ebrahimi, M. , Abdi, A. & Sasanpour, F. (2024). Consequences of Inter-Basin Transfer of Zab River's Water to Lake Urmia. *Geopolitics Quarterly*, 20(1), 139-168. doi: 10.22034/igq.2024.184151 [In Persian]
 - Eze, C. C. (2014). Media Advocacy For Sustainable Water Management In Africa: A Study Of Nigeria. In: Sustainable Irrigation and Drainage V: Management, Technologies and Policies. Volume 185 of WIT Transactions on Ecology and the Environment. Edited by C. A. Brebbia & H. Bjornlund. Southampton (UK): WIT Press
 - Faramarziani, S, & Faraji, S. (2023). Representation of the environmental crisis of Lake Urmia in television series (Case study: Darya series). *Quarterly Journal of Audiovisual Media*, 17(47), 103-130. doi: 10.22085/javm.2023.402461.2082 [In Persian]
 - Firahi, D. (1998). The concept of political participation. *Quarterly Journal of Political Sciences*, Issue 1. [In Persian]
 - Ghanavati, E. Khazri, S. & Talibpour Assal, D. (2014). Evaluation of the effects of water transfer between basins on underground water reservoirs and land subsidence (case study: water transfer from Zab River to Urmia Lake). *Quantitative Geomorphology Research* 4(2). 29-44. [In Persian]
 - Ghanavati, E., Talebpour Asl, D., & Khezri, S. (2016). Assessment of the effects of inter-basin water transfer on the riverbed morphology in the source basin (Case study: Zab River Basin). *Geography and Development*, 14(44). [In Persian]
 - Ghavidel, F. , R.Banafsheh, M. & Mohammadi, G. H. (2024). Analysis of the temporal and spatial distribution of clouds in the basin of the Urmia Lake. *Journal of Hydrogeomorphology*, 11(39), 40-19. doi: 10.22034/hyd.2024.59481.1714 [In Persian]
 - Gingras, A, M., & Pierre-Carrier, J. (2002). Public Opinion, Formation and Persuasion. Translated by Ali Mehr Talab. *Media*, 51(3). [In Persian]

- Gupta, J. & van der Zaag, P. (2008). Interbasin water transfers and integrated water resources management: Where engineering, science and politics interlock. *Physics and Chemistry of The Earth*, 33(1-2), 28–40. <https://doi.org/10.1016/J.PCE.2007.04.003>
- Gupta, N., Pilesjo, P. & Maathuis, B. (2010). Use of geoinformatics for inter-basin water transfer assessment. *Water Resour* 37, 623–637. <https://doi.org/10.1134/S0097807810050039>
- Javan, K. (2020). Analysis of hydrological drought trend in the Urmia Lake Basin. *Hydrogeomorphology*, 7(25), 119–138. [In Persian]
- Khamushi, S, M (2011) The impact of media on changing behavioral patterns and media ethics. *Quran and Hadith Research Journal*, No. 8: 169-181. [In Persian]
- Lorot, P., & Toal, F. (2002). *Keys to Geopolitics*. Translated by Hassan Sadough Vanini. Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Mayeda, A. M., Boyd, A. D., Paveglio, T. B., & Flint, C. G. (2019). Media Representations of Water Issues as Health Risks. *Environmental Communication-a Journal of Nature and Culture*, 13(7), 926–942. <https://doi.org/10.1080/17524032.2018.1513054>
- Mosafa, N (1996). Women's Political Participation in Iran. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- Mottaqi, A, & Gharebeigi, M (2014) Cinema and Geopolitics. Tehran: Jihad Daneshgahi. [In Persian]
- Onyenakeya, K., & Salawu, A. (2018). *Negotiating water conservation communication through indigenous media*. 23(1), 178–193. <https://doi.org/10.18820/24150525/COMM.V23.12>
- Qavam, A,A (2005). The Crisis of Political Participation in Central Asia. *Hamshahri Newspaper*, dated 09/04/2005. [In Persian]
- Raposo, A., Durão, A., Morais, M.M., & Vasconcelos, L. (2018). *Public Participation: A Tool for Water Conservation and Environmental Management*. In: Mortal, A., et al. INCReaSE. INCReaSE 2017. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-70272-8_47
- Shunglu, R., Köpke, S., Kanoi, L., Nissanka, T. S., Withanachchi, C. R., Gamage, D. U., Dissanayake, H. R., Kibaroglu, A., Ünver, O., & Withanachchi, S. S. (2022). Barriers in Participative Water Governance: A Critical Analysis of Community Development Approaches. *Water*, 14(5), 762. <https://doi.org/10.3390/w14050762>
- Soltani, N., Mosavi, M., & Ahmadedghbal, G. (2016). Evaluation of Probable Consequences of water Transfer of from Zab River to Lake Urmia. *Geography and Environmental Sustainability*, 6(2), 35-51. [In Persian]
- Tabios, G. Q. III. (2018). Holistic approach to water resources development through generations. *Transactions National Academy of Science & Technology Philippines*, 40(2),

337–350. <https://doi.org/10.57043/transnastphl.2018.1092>

- Veisi, H. (2015). *Concepts and theories of political geography*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Weder, F. (2020). Sparking an Interest in Local Water Issues: Social Media as an Enabler for (Hyper) *local Community Engagement in Environmental Issues and the Role of Solution Journalism*. In: Díaz-Pont, J., Maesele, P., Egan Sjölander, A., Mishra, M., & Foxwell-Norton, K. (eds). *The Local and the Digital in Environmental Communication (Global Transformations in Media and Communication Research - A Palgrave and IAMCR Series)*. Cham: Palgrave Macmillan, 223-245. https://doi.org/10.1007/978-3-030-37330-6_11
- Zarei, Gh, Nazemi, E, & Hosseini, S, A. (2019). The role of the media in political participation and how to use media techniques in managing public opinion (comparison of political participation in Iran and the West). *Journal of History, Politics and Media*, 3 (2). 125-146 [In Persian]